

هو العليم

اشعار غدیریہ أمير المؤمنین علیہ السلام در نامہ مکتوب بہ معاویہ

حضرت علامہ آیۃ اللہ حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

امام شناسی، جلد ۷

در این ابیات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام استشهداد به حدیث غدیر کرده‌اند، و وجوب ولایت خود را بر امت، از لفظ من کنت مولاه فعلی مولاه استخراج کرده‌اند، پس ولایت آن حضرت بر همه امت واجب است که موجب امامت و امارت و استخلاف می‌باشد.

امت اسلام این اشعار را از آن حضرت تلقی به قبول کرده‌اند، و همگی بر روایت آن از آن حضرت، تسالم دارند.

بسم الله الرحمن الرحيم

در «مناقب» ابن شهر آشوب از ابوالحسن مدائنی روایت کرده است که معاویه در نامه‌ای به آن حضرت نوشت:

یا أبا الحسن! إنَّ لی فضائل کثیراً: کان أبی سیداً فی الجاهلیة و صرت ملکاً فی الاسلام، و أنا صهر رسول الله و خال المؤمنین، و کاتب الوحی!

ای ابوالحسن! من دارای فضیلت‌های بسیاری هستم؛ پدر من در زمان جاهلیت بزرگ قوم بود، و خود من در زمان اسلام پادشاه شده‌ام، و من رابطه خویشاوندی سببی و دامادی رسول الله را با خود دارم، و من دایی مؤمنان هستم^۱ و من نویسنده وحی رسول خدا می‌باشم.

فلما قرا أمير المؤمنين الكتاب، قال: أ بالفضائل يفخر علينا ابن آكلة الاكباد؟ اكتب يا غلام:

۱. محمد النبی أخی و صینوی *** و حمزة سید الشهداء عمی

۲. و جعفر الذی یضحی و یمسی *** یطیر مع الملائكة ابن امی

۳. و بنت محمد سکنی و عرسی *** منوط لحمها بدمی و لحمی

۴. و سبطا احمد و کدای منها *** فأیکم له سهم کسهمی

۵. سبقتکم إلى الاسلام طراً *** علی ما کان من فهمی و علمی

۶. فأوجب ولایتہ علیکم *** رسول الله یوم غدیر خم

۷. فویل ثم ویل ثم ویل *** لمن یلقى الإله غداً بظلمی

چون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نامه را خواندند، گفتند: این پسر خورنده جگرها (هند

^۱ چون ام حبیبه - دختر ابوسفیان و خواهر معاویه - یکی از زن‌های رسول الله بوده است؛ و طبق آیه شریفه: وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ زن‌های رسول خدا مادرهای مؤمنان به شمار می‌آیند؛ فلذا از نسبت ام المؤمنین که برای ام حبیبه، خواهر معاویه بود نسبتی برای خود ساخته و پرداخته، و در شام خود را به خال المؤمنین ملقب نمود؛ یعنی دایی مؤمنان.

مادرش که در روز احد، جگر حضرت حمزه سید الشهداء با سایر اجزاء مثله‌اش را گردن‌بند کرده، و به گردنش آویخت، و جگر آن حضرت را جوید و خورد) با فضائل می‌خواهد بر ما افتخار کند؟ ای جوان بنویس برای او:

۱- محمد پیامبر برادر من است، و نسبت من با او همچون نسبت دو ساقی است که از یک ریشه روییده شده باشد، و حمزه سید و سالار شهیدان عموی من است.

۲- و جعفر طیار که پیوسته با فرشتگان در حال طیران و پرواز، روز می‌کند و شب می‌کند؛ پسر مادر من است.

۳- و دختر محمد مایه آرامش و انس من، و حلیله و زوجه من است، که گوشت او با خون و گوشت من آمیخته شده است.

۴- و دو نواده دختری پیامبر، دو پسر من هستند، پس کدام یک از شما سهمیه‌ای مانند سهمیه من دارد؟!

۵- من در اسلام آوردن از همه شما امت، گوی سبقت را ربودم، با مراتب فهم و علمی که در همان زمان کودکی داشتم.

۶- پس ولایت خود را رسول خدا در روز غدیر خم برای من بر شما واجب و لازم کرد.

۷- پس ای وای، سپس وای، پس از آن وای بر کسی که فردای قیامت خداوند را با ستم نمودن به من ملاقات کند!

چون معاویه این نامه را خواند، گفت: ای غلام آن را پاره کن! برای آنکه اهل شام آن را نخوانند و به علی بن ابی طالب گرایش پیدا نکنند!^۱

^۱ امام شناسی، ج ۷، ص ۲۲۴.